

# سرزمین قفقاز و مردم آن :

کوبانها ، سکاها ، آسمها ، آلانها ، سرمدها ، ماساژتها ، هونها ،  
خران ، چیچنها ، اینگوشها ، قباقها ، ائورسها ،  
سیراکها ، تاتارها

پایگاه تاریخی میرهادی حسینی

<http://m-hosseini.ir>

تیعنی :

مجید یکتا

پایان هزاره دویم پیش از میلاد  
و آغاز هزاره یکم دوران  
شکوفان عهد مفرغ در سرزمین  
قفقاز است . مهمترین آثار این  
عهد در گورهای کوبان <sup>۱</sup>  
بدست آمده . کوبان در دامنه  
شمالی کوههای مرکزی قفقاز  
واقع است . به سبب اشیاء  
بسیاری که در این ناحیه بودست  
آمده تمدن آن عصر سرزمین  
ذامبرده را تمدن کوبان  
نامیده‌اند . دارندگان این تمدن  
قبایل محلی آن سرزمین  
بودند .

در سده‌های هفتم تا یکم پیش  
از میلاد در تمدن این سرزمین  
پیشرفت‌های فراوان حاصل شد .  
بیشتر پدیده‌های متعلق به تمدن

1 — Koban سرزمین کوبان سرزمینی است که در آن آثار اقوام ایرانی بسیار پیدا شده است .

کوبان از سده های هفتم تا چهارم پیش از میلاد در کوههای سرزمین آسها (چمی، گالیات، کامونت و کومبولتا) و حدود مزدوك<sup>۲</sup> ولادی قفقاز (اور جنیگیدزه) وایستگاه زمیسکی<sup>۳</sup> بودت آمد. از گورهای کوبان مقدار زیادی اشیاء مفرغی و اسلیحه پیدا شده است.

تمدن کوبان در تمدن دیگر قبایل قفقاز اثر فراوان بر جا گذاشته و نمونه هائی از هنر کوبانها تا کنون نیز موجود است اثراهای آن در نقش و نگارهای آسها بسیار دیده میشود.

تمدن عهد مفرغ کوبان حدود سده هشتم پیش از میلاد روبرو با رفت و این دوره همزمان از هم پاشیدگی اجتماع اولیه در آن سرزمین بود. از سده هفتم پیش از میلاد در قفقاز شمالی آهن جایگزین مفرغ گردید و سبب تسهیل کار مردم آن سامان و افزایش تولید و بهره برداری در کشاورزی و جنگجویی شد.

### پیدایش سکاها در سرزمین قفقاز

نخست جایگاه سکاها، آلانها، سرمد (سرمت) ها در دامنه های شمالی کوههای قفقاز و جلگه های او کراین بوده است.

سده هشتم پیش از میلاد سکاها بکرانه های شمالی دریای سیاه آمدند. گروهی از آنان به قفقاز شمالی راه یافتند. زبان، آداب و رسوم و تمدن آنان از زبان و سفن و تمدن دیگر مردم قفقاز متمایز بود. سکاها در دشتها بصورت کوچ نشینی میزیستند و به گله داری میپرداختند. کار آنان چوپانی و پرورش گاو و گوسفند واسب و کوچ نشینی بود.

سکایان مردمی جنگجو بودند و اغلب بسرزمینهای گرجستان و آران و آذربایجان حمله ور میشدند. کوتاه ترین راه آنان جهت حمله بجنوب قفقاز، کناره های جنوبی دریای مازندران و دشت اترک و اوردونا بود.

2 — Mozdouk

3 — Zmeyskiy

سکاها با کوبانها برخوردهای حاصل نمودند. سکاها به استفاده از چراگاههای قفقاز و راههای آنجا علاوه‌مند بودند. بدین جهت روابط سکاها با قبایل محلی توأم با برخوردهای شدید بوده است. قبایل کوبان بتدریج با سکاها در هم آمیختند. واژه‌هائی که از زبان سکاها بجامانده نمودار شباht فراوان زبانهای سکائی و آسی است که هردو از گروه زبانهای ایرانی بشمار است.

زندگی کوبانها و سکاها در یکدیگر اثربتقابل بر جا گذارد و ازین آمیختگی تمدن کوچک نوینی پدید آمد که در تمدن دیگر مردم قفقاز شمالی اثر بسیار داشت ولی بطور کلی قبایل قفقاز مردمی جنگجو بوده‌اند زیرا زندگی کوه نشینی و هجوم قبایل مختلف یکی پس از دیگری و مرزهای شمالی ایران اقتضا می‌کرد که آنها مردمی جنگجو باشند.

نموده‌هایی از این تمدن در گورکانهای ده‌چیکولا نزدیک مزدوك و دیگر سرزمینها و سرزمین آسها بدست آمده است.

نوشته‌اند در سده ششم پیش از میلاد سکاها بسرزمین آران و آذربایجان روآوردند در کتاب منسوب به هرودت آمده است که سکاها از گذرگاه در بنده‌گذشته بسرزمینهای جنوبی و کشور ماد تاختند.

هرودت عقیده دارد سکاها از شمال قفقاز روبروی جنوب آوردند و کتریاس عقیده دارد سکاها از خراسان و طبرستان از راه کناره دریای مازندران به آذربایجان و آران رخنه کردند.

دروقایع آخر زندگانی کوروش بزرگ از درگیری او با سکاها و خواستگاری از هملکه ماسارت‌ها سخن رفته است. برخی عقیده دارند کوروش بزرگ در جنگ با سکاها کشته شد و برخی دیگر چون «بروسوس» نوشته‌اند کوروش در جنگ با دهاء کشته شده است.

در سده سوم تایکم پیش از میلاد نخستین بار نام سرمهدها باسکاها همراه آمده است که در پدیدآوردن حکومت آسها همکاری داشتند.

سرمهدها بچند قبیله بخش میشدند و پیش از آمدن به غرب در دشت‌های هیان رود دون<sup>۵</sup> و جنوب اورال می‌زیستند. سرمهدها از بستگان و خویشاوندان سکاها بودند در بازه نام سرمهدها که در میان آسها نیز سرمهنه‌گذاری می‌کنند مورخان غربی باشتباه سرهت نوشته‌اند.

در سده سوم پیش از میلاد سکاها رو به ضعف نهادند و فرمادر وائی شمال قفقاز بدست قبایل سرمهدها – سیراک‌ها<sup>۶</sup> و آئورس‌ها<sup>۷</sup> افتاد.

بنابر نوشته استرابون منطقه سیراک‌ها از دریای آزوف تا دامنه‌های شمالی جبال قفقاز و سرزمین آئورس‌ها از دن تا دریای سیاه بود.

سرمهدها باشاهی بسپور<sup>۸</sup> روابط سیاسی و اقتصادی نزدیک داشتند و کنترل راه بازر گانی شرق به اروپا در دست آنان بود.

آلان‌ها در سده یکم تا پنجم میلادی – در نیمه اول سده یکم پیش از میلاد آلانها از دامنه شمالی قفقاز بمرزهای شمالی اشکانیان تاختند فرهاد سوم پادشاه اشکانی بسر کوبی آنها شافت و آنان را مطیع ساخت آریان به جنگ آلانها اشاره کرده است. در زمان ارد پادشاه دیگر اشکانی دیده می‌شود آلانها و سکاها و سرمهدها (سارهات) در جنگ همراه پادشاه اشکانی بوده‌اند. بار دیگر در زمان بلاش اول اشکانی در سال ۷۵ میلادی آلانها گرجیها را که نگهبان داریوال بودند هم دست کرده بارمنستان و آران و آذربایجان تاختند و این سرزمینها دستخوش تاراج و غارت شد. بلاش پادشاه اشکانی نتوانست از آن جلو گیری نماید سه سال تمام ارمنستان و آران مورد تاخت و تاز آلانها بود فلاویوس مورخ یهود در کتاب هفت‌فصل ۷ بند ۲ باین واقعه اشاره کرده است.

از پایان سده یکم پیش از میلاد در جنوب شرقی اروپا نفوذ سیاسی قبایل

نیر و مند آلان افزایش یافت. آمین هارسلین مورخ رومی در سده چهارم میلادی آلانها را مردمی بلند قامت، جنگجو، خشن و چالاک نامیده است. آلانها مخلوطی از سرمهدها و ائورسها بودند که در ساحل شمالی دریای مازندران هی زیستند. در مآخذ چینی ائورسها را یانتساي<sup>۹</sup> نامیده‌اند. بطلمیوس جغرافی نگار که خواسته است ارتباط نزدیک آلانها و آئورسها را خاطرنشان سازد آنانرا آلانوئورسها<sup>۱۰</sup> نامیده است.

هورخان پیشین قرابت و نزدیکی آلانها و سکاها را خاطرنشان ساخته‌اند. یوسف فلاوی (فلاویوس) مورخ یهودی سده یکم میلادی نوشه است: «قبایل آلان بخشی از سکاها هستند که در اطراف تاناید<sup>۱۱</sup> (دن) و دریاچه متونید<sup>۱۲</sup> (دریای آزوف) سکونت دارند». لوکیان ساموسی مورخ دیگر عهد باستان می‌نویسد که آلانها «از نظر گویش به سکاها نزدیکند» گاه آلانها را آلان- سکائی<sup>۱۳</sup> نیز نامیده‌اند.

رالین سن نوشته است: «آلانها از سکاها بوده و در کنار دریای آزوف هی زیستند».

آلانها و آئورسها ضمیمن پیکارهایی با برخی قبایل سکائی و سرمهدها (سرمهتها) آنانرا تابع خود ساختند و بعدها همگی به یک نام آلانها که در میان قبایل نامبرده از همه نیر و مندتر بودند نامیده شدند<sup>۱۴</sup> در نخستین سده‌های میلادی آلانها در بخش سفلای رود ولگا و کوانه‌های دن و قفقاز شمالی هی زیستند. آلانها در میان مردم اروپا و آسیا بنامهای (آسهها، اوسهها، اوستها، ایر و نیها) مشهور بودند. همه این نامها متعلق به یک مردم است و آن آلانها هستند که پیشینیان آسه‌های کنونی بشمارهای آیند. وقتی در کتبه‌های گرجی از او (۵۶) ۹ -- Yantsay 10 -- Alanoors 11 -- Tanaid 12 -- Metoid

۱۳ - ما میدانیم که آل وال بربانهای ایرانی بمعنی کوهست و آلانها بمعنی کوهستانی است و شاید منظور سکاها کوهستانی بوده باشد.

۱۴ - آلانها و آلبان هر دونام فارسی است بمعنی کوهبان یا کوهستانی است.

یا او سها(OVS) سخن رفته منظور آلانها بوده است . در تاریخهای ارمنی نیز چنین آمده است . موسی خورنی از حمله گرجیان که به مرادی آلانها بهنگام فرهانروائی اردشیر به ارمنستان(۸۷ تا ۱۰۳ میلادی) صورت گرفته یاد کرده است . در مآخذ گرجی در این باره نوشتۀ هائی هست که در آن متوجهان گرجی را اوس نامیده است . بدین روال واژه اوس در مآخذ گرجی همانند واژه آلان در مآخذ ارمنی است . گاه آلانهارا نویسنده‌گان روس و غرب آلبان نیز گفته‌اند نام آلبان نیز مانند آلان از زبانهای ایرانی گرفته شده و بمعنی کوهبان است . کدرین<sup>۱۰</sup> مورخ رومی سده یازدهم میلادی نوشته است که آلدا همسر بیوه گریگوری شاه آبخاز «از دودمان آلانها» بود . در مآخذ گرجی همین‌بانو را «دخترشاه اوس» نامیده‌اند . گذر گاه داریال در مآخذ گرجی به گذر گاه آسها و در مآخذ ایرانی و اسلامی به «دریند آلان» معروف است .

داریال یا داریالان بزبان پارسی همان «درآل» یا «در آلان» است یعنی در بند کوهستانی یا گذر گاه کوهی .

تا کنون واژه‌ها و جمله‌های جدا گانه‌ای از زبان آلانها بجا مانده که نشانه نزدیکی آن با زبان آسها است که هردو از زبانهای ایرانی است . از داستانهای باستان چنین بر می‌آید که عقاید مذهبی آلانها و آسها نیزیکی بوده و عقاید زرتشتی و مهری در میان آنها ریشه داشته است و در سده هفتم میلادی دین مسیح در هیان آنها رسوخ پیدا کرد .

آگهی‌های هر بوط به رو ابط آلانها بادیگرا قوام همسایه در فاصله سده‌های ۱-۵ میلادی بسیار مشوش و آشفته است . ولی مآخذ موجود نشان میدهد که آلانها چندبار از طریق گردنه‌های قفقاز به جنوب روا ورده‌اند آلانها برای گرجستان، ارمنستان، ماد و آسیای کوچک خطری بشمار می‌آمدند . نخستین آگهی درباره حمله آلانها از سده یکم میلادی است آلانها به غرب و ناحیه دانوب و مرزهای امپراتوری روم نیز حمله‌ور شدند و دیر گاهی خود از زمان

ساسانیان هر زبانان شمالی ایران در داریال بوده‌اند و گاه از آنان سربازان و نگهبانان اجیر گرفته می‌شده است.

### حمله هونها به آلان

هونها از دوران باستان در آسیای میانه در همسایگی چین زندگانی ایلی و چادرنشینی داشتند. برخی از قبایل هون در نتیجه فشار دیگر قبایل به غرب روی آوردند. اواسط سده چهارم میلادی هونها به مرزهای شرقی آلان نزدیک شدند. آنها از رودهای اورال و ولگا گذشتند و به اراضی آلان حمله‌ور شدند و این تاخت و تاز برای مردم آلان عواقب بسیار بدی در برداشت. هونها بر سر راه خود همه چیزرا به آتش کشیدند و هر کسی را که در برابر آنان مقاومت می‌کرد نابود می‌ساختند. آلانهای که در حوالی دن سکنی داشتند در برابر هونها پایداری کردند و این پافشاری بناودی آنها کشید. چون در این زمان دیوارداریال و دربند و درزهای آن بوسیله ساسانیان بر پا استوار گشته بود هونها نتوانستند بقفقاز و سرزمینهای جنوبی راه یابند و روبروی غرب نهادند. و در هجوم آنان به غرب که به سال ۳۷۱ میلادی رخ داد گروهی از آلانهای شهر کت داشتند آلانهای که با هونها به غرب رفتند بودند دیگر بازنگشتند و پس از استحکاماتی که قباد و انسیروان در قفقاز ساخته‌اند و پس از سده هفتم به بعد نیز خبری از آنان باقی نمانده است.

در نواحی که آلانها می‌زیستند در کناره‌های وسطای دانوب، هالی و افریقای شمالی گورهای کشف شده است که اشیاء آنها نشان میدهد متعلق به آلانهای کریمه و قفقاز بوده است. بسیاری از آلانها پس از هجوم هونها به دامنه‌های جنوبی کوههای قفقاز سر ازیر شدند. مورخان روسی نوشته‌اند اینها پیشینیان مردم آسهای جنوبی بودند.

### ۱ - آلانها در سده‌های پنجم و هشتم میلادی

در فاصله سده‌های پنجم و هشتم میلادی آلانها اراضی وسیعی از قفقاز

شمالی را در تصرف داشتند. سرزمین آنها از دامنهای شمالی سلسله جبال بزرگ قفقاز تا مسیر سفلای رود دن و کرانه دریای آзов کشیده شده بود. از پایان سده پنجم هیلادی تا اواسط سده هفتم با «بلغارستان بزرگ» که تا حوزه دریای آзов امتداد داشت هم مرز شدند. گمان می‌رود (بلغارهای سیاه) یا (بالکارها) همان تیره‌ای باشند که اکنون در شمال کوههای قفقاز زندگی می‌کنند و جمهوری آنان بنام جمهوری خود مختار کاباردینو بالکار نامیده می‌شود.

جمهوری کاباردینو بالکار از دو قوم کاباردا و بالکار تر کیب یافته است ایندو قوم از یکدیگر جدا و متمایزند.

در دهه هشتم سده ششم خاقانهای ترک آسیای هیانه به آلانها حمله‌ور شدند. و بخش قفقاز شمالی از سرزمین آلانها وابسته آنان گردید. ولی این وابستگی کوتاه مدت بود. در پایان سده ششم و آغاز سده هفتم حکومت خاقانی ترک از هم پاشیده شد.

در سده هفتم پس از پاشیدگی «بلغارستان بزرگ» خاقانهای خزر با آلانها هم مرز شدند.

این عوامل نشانه آنستکه مرزهای شمالی آلان ناپایدار و همواره دستخوش دگرگونی و تاخت و تاز قبایل بود. از سوی غرب آلان با کاسوگامی (کاباردینها) و بلغارهای سیاه (بالکارها) هم مرز بودند.

آلانها از جنوب نیز با گرجستان هم مرز بودند. در شرق آلانها با سرزمین چچن و اینگوش (اینقوش) و قبایل داغستان هم مرز بودند.

اشتغال آلانها مرزبانی و نگهبانی در بنداریان و گذرگاههای کوهستان شمالی قفقاز بود و بیشتر سپاهیگری واند کی هم بدام داری و کشاورزی اشتغال داشتند گذشته از آن آلانها اند کی پیشه‌وری و داد و ستد های کوچک داشتند. داد و ستد آلانها بیشتر با ایرانیان و هردم قفقاز مانند گرجیها و آرانها و دیگر اقوام و ملتها بود. اشیائی که از زیر خاک بیرون آمده، از جمله

زینت آلات و سکه‌ها و جنگ افزارهای ایرانی و روم شرقی و پارچه‌های ابریشمی وغیره گواه این مدعای است.

در سده هشتم میلادی پس از برافتادن شاهنشاهی ساسانی در سرزمین قفقاز نیز اغتشاشهایی پدید آمد و پیدایش دولت آلان‌ها آغاز گردید که ابتدا به شکل اتحاد قبایل بود. تئوفان مورخ بیزانسی (۷۰۹ میلادی) در آثار خود از شاه آلان بنام ایتاز<sup>۱۶</sup> یاد کرده است که بتحریک دولت بیزانس به آبخاز<sup>۱۷</sup> حمله ور گشت.

### آلانها در سده‌های نهم تا یازدهم میلادی

در این دوره سرزمین آلانها کوچکتر شد سرزمینهایی را در مرزهای شمالی آلانها از دست دادند و بخش بزرگی از دشتهای شمالی آلانها را خاقانهای خزر متصرف شدند. پیشنهای شرقی و غربی و جنوبی نیز دستخوش دگر گونیهای گشت ولی این دگر گونیها چندان قابل ملاحظه نبود.

در این زمان پیشه و صنعت در میان آلانها بسط و توسعه یافت. آلانها نه تن گذشته با ایران و گرجستان و روم شرقی و کشورهای نزدیک و همسایه به داد و ستد همیرد اختنند.

از زمان فرمانروائی آلانها نوشته خطی نمانده است ولی آنها مردمی جنگجو و نگهبانان گذرگاه‌های کوهستانی قفقاز بوده‌اند.

مسعودی در نوشته‌های خود از شماره لشگریان آلان سخن‌رانده است در نوشته‌های گرجی نیز از شاهان و سپاهیان آلان در سده‌های یازدهم تا سیزدهم یاد شده است.

### آلانها در سده‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی

سرزمین آلانها در آغاز سده ۱۲ میلادی - سرزمین آلانها در پایان سده ۱۱ و آغاز سده ۱۲ سرزمینی بود وسیع در شمال قفقاز. مرزهای سرزمین

Itaz - ۱۶

۱۷ - آبخاز را در متنون اسلامی انجاز نیز نوشته‌اند

آلانها بیشتر از شمان مورد تهدید هونها، روسها، خزران و قبایل ترک بود. پس از آنهم اخزان در سده دهم میلادی مرزهای شمالی آلان باز از جانب شمال پیش رفت و به کرانه‌های دریای آзов و دشت‌های دن و بخش سفلای رود ولگا رسید. و بخشی از سرزمین شمالي آنها در این زمان در مجاورت دولتهای ملوک الطوایفی قبایل روس قرار گرفت.

در سده یازدهم میلادی قبچاق‌ها در دشت‌های شمال قفقاز پدیدار شدند و آلانها را زیر فشار گذارند.

افزار و وسایل کار آلانها در این دوره تبر، خنجر، پیکان، شمشیر، چاقو، داس، سوزنهای برتنزی، قیچی، وغیره بود ساختمان این اشیاء بمراتب بهتر از اشیاء متعلق به سده‌های پیشین بوده است. آلانها در تهیه زیور نه تنها از آهن و مس بلکه از نقره و طلا نیز استفاده می‌کردند. این امر نشانه آنست که آلانها در کار کردن با فلز گامهای فراتر نهاده بودند ازین جهت هنرهای دستی آنها بویژه طلا و نقره و فلزات شباهتی با آثار سکاها دارد.

### تاخت و تاز مغولها و تاتارها بقفقاز

در سال ۱۲۲۲ میلادی مغولها و تاتارها از طریق گذرگاه در بندهای سرزمین آلانها در آمدند. یکی از علل شکست آلانها خیانت متوجه‌انشان (قبچاق‌ها) بود که تقطیع شده در مقابل وعده پول و پوشانک اتحاد خود را با آنها بهم زدند. مغولها و تاتارها بسیاری از آلانها را به اسارت گرفتند و بهاراضی شمالی فرستادند در سال ۱۲۲۳ میلادی در کنار رود کالکی پیکار بزرگی میان مغولها و تاتارها از یکسو و قبایل روس ازد گرسود گرفت. در این پیکار مغولها و تاتارها پیروز شدند.

در آن زمان میان فرمانروایان و سران روس اتحادی وجود نداشت. پس از این پیکار مغولها و تاتارها بر سرزمین های پشت کوه های قفقاز نیز دست یافتند.

در سال ۱۲۳۹ میلادی مغولها و تاتارها با شکست فرمانروایان ولگا - کامای بلغار و چند فرمانروای روس دوباره بسوی سرزمین آلان سرازیر شدند و آن سرزمین را از مردم خالی ساختند و کشتار عظیمی برآه انداختند. دوران اسارت هتمادی قفقاز شمالی از جمله آلان از سوی مغولها و تاتارها آغاز گشت. مغولها مردم قفقاز را به سپاهیگری و اداشتن و اندوخته و دسترنج و خانه وزندگی آنها دستخوش غارت و چیاول گردید. آلانها که بد لیری و جنگجویی معروف هستند در برابر مهاجمان بیگانه سخت پایداری کردند. ولی تنها بخش کوهستانی آلان توانست استقلال خود را محفوظ دارد و سرزمین آلانهای ساکن دشتهادر اشغال هنرول و تاتارهادر آمدند. مغولها و تاتارها چندین بار به آلانهای ساکن کوهستان نیز حمله و رشدند اما بر آنها دست نیافتدند.

بیشتر خانهای آلان به حاکمیت مغولان گردن نهادند و آنها گروهی از آنانها و آسها را به مغولستان و بسیاری را به کریمه، مولداوی و عده‌ای را نیز به مجارستان و بالکان کوچ دادند. با این وصف در کوهها و دشتهای هر کزی قفقاز شمالی عده ناجیزی از آلانها و آسها باقی ماندند.

در پایان سده چهاردهم میلادی و آغاز سده پانزدهم سرزمین آلانها میدان پیکارهای خونین میان لشگریان خان «قزل اردا» و لشگریان تیمور قرار گرفت. در سال ۱۳۹۵ میلادی در اراضی آلان در ناحیه جولات پائین پیکار شدیدی میان سپاهیان تیمور و لشگریان تو ختامیش در گرفت که در آن نبرد تیمور پیروز شد.

سپاهیان تیموری پس از تصرف سرای که پایتخت قزل اوردا بود و انهدام لشگریان آزوف به سمت جنوب و ناحیه شمال غربی قفقاز تاختند. این لشکر-کشی سبب تجزیه سرزمین آلان گشت. در آغاز سده پانزدهم میلادی سپاهیان

تیمور پس از کشتن همیب در گرجستان باز به سرزمین آلانها تاختند و آنرا مورد نهب و غارت و کشتن شدید قراردادند.

اندک گروهی از آلانها که تو انسنند از حمله سپاهیان تیمور جان سالم بدر برند با دشواری تمام خود را به نواحی سخت گذر کوهستانی کشانندند و در آنجابزندگی دشوار خود ادامه دادند. ازین پس کشاورزی و صنعت و بازرگانی آلانها دستخوش انحطاط و انهدام گشت. بسیاری از آثار فرهنگی این سرزمین ویران گشت و سرزمین آلانها بسیار کوچک شد. سرزمین آلان در پایان سده پانزدهم بطور کلی به چهار دره: دیگورا، کورتاپین، آلگیر و تاگائور محدود می شد.

در زمان صفویان در قفقاز و سرزمین آلانها امنیت و آرامشی پیدا شد در اوخر صفوی بواسطه جنگهای ایران و عثمانی چندبار عثمانیها و پس از آن روسها به سرزمین آلانها<sup>۱۸</sup> و قفقاز راه یافتند تا در زمان نادر شاه که جنگهای داغستان پیش آمد و هدتی در آن سرزمین نیز وضع آرام نبود در دوره آقامحمدخان و آغاز قاجار نیز تا زمان جنگهای ایران و روس گرجستان و مناطق شمالی آن از حکومت مرکزی پیروی میکرد. و قایع بعداز پیمان ترکمان چای نیازمند پژوهش دیگری است.

- ۱۸- گشته از معنی ال و آل که گفته شد بمعنی کوه است و ازه آلان گشته ای است از واژه آران و واژه اران گشته ایست از واژه آران که بفارسی میانه تغییر شکل داده است.